



سربردن زن جوان بخاطر عشق ممنوع

متهم: پشیمان نیستم

بهرتری درست می‌کند اما او را به قتل رساند. آنها مدتی بود که با هم اختلاف داشتند و من متوجه شده بودم دلیل این اختلاف تصمیم جمعه برای مهاجرت به ترکیه است. دخترم می‌خواست در ایران بماند چون رفت و آمد به افغانستان برایش راحت‌تر بود، اما شوهرش قبول نمی‌کرد و حالا جمعه دختر من را کشته چون به حرف او گوش نکرده است. خیانتی در کار نیست و این مرد دروغ می‌گوید، اگر خیانتی در کار بود حتماً مدرکی هم وجود داشت. او بدون مدرک به دختر من تهمت می‌زند. در ادامه متهم در جایگاه قرار گرفت. او اتهام قتل را قبول کرد و گفت: من ضایعات جمع می‌کردم و درآمد خوبی داشتم، با اینکه شغل سختی داشتم اما می‌توانستم زندگی آبرومندی را برای خانواده‌ام درست کنم. در این سال‌ها نگذاشتم زنم حتی ذراتی مشکل احساس کند تا اینکه متوجه شدم او به من خیانت می‌کند. متهم در ادامه گفت: همسر من با ارتباط با یک جوان ایرانی به من خیانت کرد و چون آن جوان ایرانی بود می‌خواست من را ترک کند و با او برود. او حتی به بچه‌هایش هم توجهی نداشت. من زنم را دوست داشتم و نمی‌خواستم به او آسیبی برسد؛ اما او به من خیانت کرد. روز حادثه همراه همسر و فرزندانم به خانه برادریم رفتم تا شاید فرصتی باشد با همسر صحبت کنم. از برادریم خواستم بچه‌های من را بیرون ببرد، وقتی در خانه تنها شدم از همسر

شده است. یک روز وقتی که داشت فیلمی تماشا می‌کرد بالای سرش رفتم و از او خواستم که گوشی را به من بدهد، همسر من به من گفت اگر نزدیک شوم خودکشی می‌کند و بعد هم رگ دستش را زد. من همسر را به بیمارستان رساندم و بعد هم کج دار و مریز با همسرم رفتار می‌کردم و منتظر بودم تا میج او را بگیرم. تا اینکه یک روز دیدم همسر من به همراه جوانی ایرانی در پارک نشسته است. نزدیک که شدم پسر جوان فرار کرد. من و همسر من با هم دعوا کردیم. وقتی به خانه رفتم از نازنین توضیح خواستم اما او جواب سربالا به من داد. بعد از آن بود که متوجه شدم رابطه آنها جدی است و حتی همسرم گفت می‌خواهد من را ترک کند و با آن پسر زندگی کند.

گروه حوادث - عشق زن افغانستانی به مرد ایرانی فرجام تلخی داشت و در نهایت شوهر این زن سر از تن او جدا کرد. مرد متهم در توضیح انگیزه‌اش از قتل گفت زنش را لایق مرگ می‌دانسته و از اینکه او را کشته است پشیمان نیست. دو سال قبل مردی با نام ماموران تماس گرفت و گفت برادرش مرتکب قتل شده است. این فرد از ماموران خواست خود را به محل برسانند. وقتی ماموران به محل حادثه رفتند با جسد خونین زن جوانی به نام نازنین مواجه شدند. مردی به نام جمعه در محل بود که خود را عامل قتل معرفی کرد و بازداشت شد. برادر جمعه که با پلیس تماس گرفته بود گفت نمی‌داند چه اتفاقی بین برادر و همسر برادرش افتاده است. او گفت: خانواده برادر من به خانه من آمدند و برادر من از من خواست فرزندانش را بیرون ببرم و گفت می‌خواهد خصوصی با همسرش صحبت کند. من هم نمی‌دانستم ماجرا چیست. قبول کردم. من و همسر من به همراه بچه‌های برادریم و بچه‌های من در پارک رفتیم و وقتی برگشتیم برادریم گفت همسرش را کشته و از من خواست بچه‌ها را داخل نبرم. بعد هم توضیح داد که چه شده است. وقتی جمعه مورد بازجویی قرار گرفت گفت همسرش عاشق جوانی ایرانی شده بود و چاره‌ای به جز قتل نداشته است. این مرد گفت: مدتی بود که از رفتار همسرم فهمیده بودم او وارد یک رابطه

این کار را می‌کرد، چون آن زن به من خیانت کرد و سزای فردی که خیانت می‌کند، همین است. متهم درباره پیدا شدن جسد همسرش گفت: وقتی با برادریم مواجه شدم، سراغ نازنین را گرفتم و گفت کجاست، من هم جواب ندادم. بعد زن برادریم همه جای خانه را گشت و جسد را لای پتو پیدا کرد و بعد هم موضوع را به پلیس گزارش دادند. بعد از گفته‌های متهم، وکیل مدافع او در جایگاه حاضر شد و دفاعیات خود را مطرح کرد. در پایان هیئت قضات برای تصمیم‌گیری در این باره وارد شور شدند.

خواستم به رابطه‌اش با جوان ایرانی پایان دهد و از او خواستم همه چیز را تمام کند، اما او با جسارت زیاد گفت به من ربطی ندارد و از من خواست در زندگی او دخالت نکنم. این موضوع من را خیلی ناراحت کرد. هر کسی مثل من می‌تواند با یک جوان ایرانی به من خیانت کند و چون آن جوان ایرانی بود می‌خواست من را ترک کند و با او برود. او حتی به بچه‌هایش هم توجهی نداشت. من زنم را دوست داشتم و نمی‌خواستم به او آسیبی برسد؛ اما او به من خیانت کرد. روز حادثه همراه همسر و فرزندانم به خانه برادریم رفتم تا شاید فرصتی باشد با همسر صحبت کنم. از برادریم خواستم بچه‌های من را بیرون ببرد، وقتی در خانه تنها شدم از همسر

ماجرای زنی که صاحبکارش را بدبخت کرد

کارگاه تالیس کتی و سوسه ام کرد که از صاحب کارم که مرد با خدایی بود دزدی کنم. فردا صبح همه متوجه دزدی ام شدند، چرا که کارگاه دوربین داشت و من دیگر جای انکار کردن را نداشتم. در حال حاضر شوهرم متوجه شده است و بعد از اینکه مرا حسابی مورد ضرب و شتم قرار داد خودم بخودم دنبال کار بروم.



زنانشویی و ایجاد مشکلات جدی تری چون دزدی می‌کرد و در نهایت خودکشی کرد.

شرایط سخت زندگی و عدم علاقمندی به همسر بی مسئولیت باعث شده بود که به طلاق فکر کنم و این موضوع را بارها با شوهرم مطرح می‌کردم، اما شوهرم حاضر به طلاق نمی‌شود. شرایط سخت مالی و بی مسئولیتی شوهرم و از آن طرف روحیه ی افسرده‌ام باعث شد که تصمیم بگیرم خودم دنبال کار بروم.

بعد از مدتی به عنوان کارگر در یک کارگاه تعمیرات مبل در یکی از مناطق حاشیه‌ای شهر مشغول به کار شدم و خوشحال از اینکه حداقل چند ساعت از روز را بیرون خانه و دور از آزارهای روحی و جسمی شوهرم هستم هر روز با ذوق و شوق از خانه بیرون می‌آمدم. توانسته بودم مقداری پس انداز کنم، هر چند که شوهرم با کمک و اجبار، بیشتر حقوقم را از من می‌گیرد ولی پنهانی پس اندازی را برای خودم جمع می‌کردم. تا اینکه حدود سه ماه قبل در مسیر رفت و آمد به محل کار با پسری ۲۵ ساله که کارگر مغازه ای در نزدیکی محل کارم بود، آشنا شدم.

در طول این سالهایی که از زندگی مشترک با شوهرم می‌گذشت، فضایی سراسر تنش، اختلاف و بد رفتاری را تجربه کردم. در یک خانواده شلوغ و از نظر اقتصادی بسیار ضعیف و در یکی از مناطق حاشیه‌ای زندگی می‌کردیم. پدرم همیشه عصبی و پرخاشگر بود و ما بچه‌ها هیچ گاه مورد مهر و توجه پدر قرار نگرفتیم. به محض اینکه کلاس سوم راهنمایی را به اتمام رساندم، پدرم که اعتقادی به تحصیل به خصوص برای دختران نداشت، مرا مجبور به ترک تحصیل کرد تا اینکه طبق سنت و فرهنگ منطقه‌ای در سن ۱۶ سالگی با تصمیم اجبار پدر با یکی از دوستان پدرم با اختلاف سن ۱۵ سال ازدواج کردم تا به نوعی بار مالی و هزینه‌ای برای خانواده نداشته باشم.

حاصل ازدواجم دو فرزند پسر ۶ و ۹ ساله است. در طول این سالهایی که از زندگی مشترک با شوهرم می‌گذشت، فضایی سراسر تنش و اختلاف و بد رفتاری را تجربه کردم. همسر من هیچ وقت به خواسته‌های من و بچه‌ها، توجهی نداشت و در یک رابطه‌ی عاطفی سرد که با اعتقاد همسر همراه شده بود زندگی را با ناامیدی سپری می‌کردم. اخراج از کار بخاطر اعتیاد شوهرم اولویت اول زندگی‌اش اعتقاد بود. شوهرم به دلیل مشکل اعتیادش شغل ثابتی نداشت و بیشتر درآمدش را صرف تهیه مواد مخدر می‌کرد. تا اینکه به دلیل اعتیادش از کار اخراج شد. شرایط بدتر از زمانی که در خانه پدرم بودم را تحمل می‌کردم.

زندگی زن تهرانی با نوزاد مرده‌اش در هتل شهر شمالی!



خودم با ضمانت وثیقه‌آور آزاد کردم اما بعد متوجه شدم که فرزندم در حمام فوت کرده بود و همسر یک هفته با جسد او زندگی کرد. به همین دلیل از همسر شکایت دارم»

گروه حوادث - مرد تهرانی در حالی از همسر سوم خود به اتهام قتل فرزندشان شکایت کرده بود که این زن یک هفته با جسد نوزاد مرده زندگی کرده بود. رسیدگی به پرونده قتل نوزاد سه ماهه چند روز قبل باشکایت پدر نوزاد در شعبه دهم دادرسی جنایی تهران در دستور کار بازپرس شعبانی قرار گرفت. این مرد ۵۶ ساله که قبلاً دو بار از همسران خود جدا شده بود، در شکایت از همسر سوم خود به نام پرسا ۳۰ ساله گفت: «مدتی قبل سر کار بودم و وقتی به خانه آمدم دیدم که همسر من نوزاد سه ماهه‌ام در خانه نیستند. یک هفته از آنها بی خبر بودم تا اینکه از پلیس یکی از شهرهای شمالی با من تماس گرفتند و احضار شدم. آنجا متوجه شدم که فرزندم فوت کرده و همسر من بازداشت شده بود که برای روشن شدن ابعاد پرونده وارد دارم.

تلفن: ۴۴۴۲۴۹۹۹ - ۴۴۴۲۰۲۸۴ (۰۷۶) سایت: www.eghtesad-kish.ir

نیازمندیهای روزانه جزیره کیش

خرید و فروش سهام

خدمات

مفقودی

فروش آجیل

سهم پدیده شاندریز
خلق ثروت است
خرید و فروش سهام انبیه توافقی (دو طرفه) از طریق سامانه در سراسر کشور
شماره: ۰۹۱۲۴۱۰۸۹۲۵
تماس با: ۰۹۱۲۰۶۵۵۲۹۰
سهم‌گردانان: ۰۵۱۳۸۵۱۵۲۹۲
۰۵۱۳۸۵۱۵۲۹۳

خدمات برق
انجام کلیه امور برق ساختمان و پروژه های شما - کلی و جزئی
۰۹۱۲۰۴۵۹۱۹۸

خدمات تاسیسات آب و لوله کشی
جزئی و کلی مجتمع های اداری مسکونی - خدماتی - تجاری
رضایی ۰۹۳۴۷۶۹۳۶۲۴

تاسیسات ساختمانی کریمی
۰۹۳۴۷۶۹۴۷۴۴

اصل سند خودروی نیسان قشقایی
۲۰۱۴ رنگ سفید به شماره پلاک ۲۴۲۱۹ شماره موتور ۱۳۷۷
شماره شاسی ۲۷۷۱ به نام ابوالفضل ازغدی مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می باشد.

اصل سند ششدانگ ملک به شماره ثبت ۷۷۲۹ به ادرس فاز جی خیابان فتح دوم طبقه ۱۷۸ واحد ۳ به شماره قرارداد ۱۵۶۵۹۱/۱۶
تاریخ ۱۳۸۰/۱۱/۰۲ فی مابین سازمان منطقه آزاد کیش و بهروز رجبی به کد ملی ۰۰۴۵۸۴۱۴۵۴ مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می باشد

آجیل تازه شب یلدا
مرجان، میدان پارس، خدماتی طلوع کیش همراه با پیک رایگان
۰۹۱۳۷۰۰۷۷۴۶ علیایی

نیروی خدماتی (خانم، آقا) جهت کار در یک شرکت نیازمندیم. متقاضیان می توانند به نشانی ویلاهای مروارید بلوک b۳ طبقه سوم واحد ۷۱۵ مراجعه کنند.
شماره تماس ۴۴۴۲۴۹۹۹

منشی شیفت بعد از ظهر جهت کار در یک شرکت استخدام می شود. متقاضیان به نشانی خیابان فردوسی ویلاهای مروارید بلوک b۳ طبقه سوم واحد ۷۱۵ مراجعه نمایند. تلفن تماس ۴۴۴۲۴۹۹۹

حمل بار
حمل و جابجایی کالا با ۶ چرخ در سطح جزیره
۰۹۳۴۷۶۹۴۷۲۰

پرتیراژترین و با سابقه ترین نشریه جزیره کیش
گسترده ترین شبکه اطلاع رسانی داخلی منطقه آزاد کیش
۴۴۴۲۴۹۶۹
۴۴۴۲۴۹۹۹
روزنامه